

هکات و سگ هایش

نویسنده: پل موران

مترجم: عیسی سلیمان



سرشناسه: موران، پل، ۱۸۸۸ - ۱۹۷۶ م.

Morand, Paul

عنوان و نام پدیدآور: هکات و سگ‌هایش
مشخصات نشر: تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۸۸ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۴۱-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یا داشت: عنوان اصلی: Hecate and Her Dogs.

موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰ م.

سناس: نزوده: سلیمانی، عیسی، ۱۳۵۲ -

ر.بندی کنگره: ۱۳۹۵ ه ۸ ۴۳/PQ۲۶۴۰/و

رده‌بندی دی‌سی: ۸۳۳/۹۱۱

شماره کتشناسی: ۴۱۵۴۸۵۱

نام کتاب: هکات و سگ‌هایش

نویسنده: پل موران

مترجم: عیسی سلیمانی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۷

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۴۱-۳

طراح جلد: محسن سعیدی

ناظر فنی: سیدیاشار بنی‌هاشمی خامنه



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سخن مترجم

به گمانم این نخستین کتاب است که از پُل موران^۱ به فارسی منتشر می‌شود، از این رو ذکر چند نکته شاید بی‌موقع نباشد:

۱. این که بهترین تفسیر این کتاب که آن را به طور کامل در پایان داستان نقل کرده‌ایم در جلد شش فرهنگ آثار^۲، که زیر نظر زنده‌یاد استاد رضا سیدحسینی درآمده و به قلم استاد مرحوم ابوالحسن جعفری ترجمه شده (که همواره یاد و نام‌شان پیش اهل قلم بسی زنده و «بماند» است). من فقط قسمتی از این تفسیر را یادآور می‌شوم: «موضوع اصلی این رمان بررسی سیاه‌ترین بخش ضمیر ناهوشیار است که با هنرمندی کامل به علم استاد صنعت تلمیح نقل شده است.»

بقیه‌ی تفسیر را خواننده می‌تواند بعد از داستان بخواند.

۲. موضوع دوم در این رمان شرق‌شناسی است که خواننده را به کتاب

۱. Paul Morand : (زاده‌ی ۱۸۸۸- درگذشت ۱۹۷۶) نویسنده‌ی سده‌ی نوزدهم میلادی که اهل فرانسه است.

۲. دایره‌المعارف فرهنگ آثار؛ مجموعه‌ی شش جلدی معرفی آثار مکتوب ملل جهان از ابتدا تا امروز است که به سرپرستی رضا سیدحسینی و همراهی مترجمان و ویراستاران به نام کشور شکل گرفت. فرهنگ آثار در سال ۱۳۷۸ از سوی انتشارات سروش به چاپ رسید.

مرجع شرق‌شناسی ادوارد سعید^۱ ارجاع می‌دهم که خوشبختانه چند ترجمه از این کتاب در بازار نشر موجود است. درست که به این کتاب و مؤلفش ایرادهایی گرفته شده، ولی این منتقد غرب با مهارت کامل شرق‌شناسی را به چند دوره تقسیم کرده و نشان داده اروپایی‌هایی که در ابتدا به شرق می‌آمده‌اند، چه‌قدر با شرق‌شناسان متأخر فرق دارند؛ هر چند که تقریباً هشتاد سال تفکری اروپا محور دارند. (البته منظور از شرق، فقط آسیا نیست، برای غربی‌ها، شرق گستره‌ای بسیار وسیع داشت. همان‌طور که در این رمان می‌بینیم، آن‌ها هم جزو شرق محسوب می‌شد، ولی یک نکته‌ی خیلی مهم این که برای شرق‌شناسان شرق جایی بود که خورشید - استعاره‌ی نور و معنویت - در شرق طلوع می‌کرد.)

۳. مورد سوم در این رمان اخلاق است. ارسطو واژه‌ی کاتارسیس^۲ (تهذیب نفس و روان) را برای نمایش نا‌همای یونان باستان به کار می‌برد، ولی به نظر من این واژه دایره‌ی شمراس در حال حاضر بسیار گسترده است. امروزه همین حالت پس از دیدن فیلم خواندن داستان یا مطالعه‌ی یک رمان به یک آدم سالم (و حتی آدمی که بیمار به لحاظ روان) دست می‌دهد. (نمونه‌ی خوب کاتارسیس در داستان رمان، اگر سوم^۳ از پورمقدم مثال زد که خواننده بعد از شنیدن روایت جرم دیرگون می‌شود و در فیلم می‌توان برگشت‌ناپذیر^۴ را ذکر کرد که حال آدم واقعاً در طول فیلم خراب می‌شود.

۱. ادوارد سعید. شرق‌شناسی. ترجمه‌ی ادوارد سعید، [تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴]: ۳۶.

۲. کاتارسیس؛ واژه‌ای یونانی به معنای تطهیر، تزکیه و تخلیص است که بعدها از طرف پژوهشگران به واژه‌ای علمی تبدیل شد. این واژه از کلمه‌ی یونانی کاتارین به معنی پاک کردن گرفته شده و در ادامه‌ی تطوّرش از حوزه‌ی مذهب، پزشکی و دیگر سنت‌های عالمانه یونانی به مباحث معاصر راه یافته است.

۳. یار علی پورمقدم. باگرد سوم، [تهران: نشر نی، ۱۳۶۹]

۴. برگشت‌ناپذیر (به فرانسوی: Irreversible)؛ فیلمی به کارگردانی گاسپار نونه، محصول سال ۲۰۰۲، فیلمی رمزآلود در هنگام اکران این فیلم در جشنواره‌ی کن و سن سباستین نقدهای متناقضی بیان شد. گروهی شیفته‌ی روایت بدیع و منحصر به فرد فیلم شده بودند و گروه دیگری هم از وجود تصاویر خشن و مستهجن فیلم ناراضی بودند. اکران آن در سراسر دنیا با درجه‌بندی‌های محدودکننده همراه بود.

البته با استفاده از نقدهای موريس بلاشو^۱ و ژاک دریدا^۲ می‌توان گفت که این فیلم به عنوان اثری هنری چند معنایی است و معنا آخر سر به دست نمی‌آید و هم‌چنان بین دال‌ها شناور است و همچون عالم هادس^۳ اورفه^۴ است که به جست‌وجوی زنش به زیرزمین رفته بود و به شرط پشت سر نگاه نکردنش می‌توانست او را دوباره صاحب شود، هم‌چون جست‌وجوی مجرم در زیرزمین در این فیلم، البته باید تغییرات زمانی این دو مورد را بنا به تغییرات رن‌گرش به جهان و نگرش به امور در نظر گرفت.

۴. اساطیر مرگ ندارند و همیشه زنده‌اند، فقط نوع برخورد با آن‌ها فرق می‌کند که در طول رمان کم‌کم معنایی متفاوت به آن‌ها داده می‌شود و برخی معناهای آغازین آنان با حذف می‌شود یا تغییر می‌کند. بارت^۵ در کتاب با اهمیتش «اسطوره‌ی امروز» که به فارسی هم ترجمه شده، اسطوره را گفتار می‌داند؛ البته نه هر نوع گفتاری. باید شرایط ویژه‌ای باشد تا اسطوره ساخته شود. به نظر او اسطوره یک شیوه ارتباطی است، یک پیام است. برای همین اسطوره نمی‌تواند یک ابژه، یک ایده یا یک مفهوم باشد. اسطوره یک شیوه‌ی دلالت است، یک فرم است و این به نگاه و روابط آفرینش پدیدآورنده

۱. موريس بلاشو (به فرانسوی: Maurice Blanchot) (زاده‌ی ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۷ - درگذشته‌ی ۲۰ فوریه‌ی ۲۰۰۳) ژمان نویس، نظریه‌پرداز ادبی و فیلسوف فرانسوی که آثارش در همه‌ی بخش‌های ادبیات فلسفی، آثار داستانی و قطعه نوشته‌ها -

۲. ژاک دریدا (به فرانسوی: Jacques Derrida) (زاده‌ی ۱۵ ژوئیه‌ی ۱۹۳۰ - درگذشته‌ی ۸ اکتبر ۲۰۰۴) فیلسوف الجزایری تبار فرانسوی و پدیدآورنده‌ی فلسفه‌ی «واسازی» است. تئوری‌های او به بسیاری پست مدرن و نقد ادبی تأثیر بسیاری داشته‌است -

۳. هادس (به یونانی: ᾍδης) در اساطیر یونانی، فرمانروای مردگان و جهان زیرزمینی -

۴. اورفه؛ بر اساس اسطوره‌های یونان؛ اورفه شاعری بود که حتی می‌توانست حیوانات وحشی را افسون کند، ولی شعرهایش میان او و همسرش اوریدیس جدایی انداخت و مرگ، زن را از او گرفت. اورفه به آن دنیا رفت و مرگ را چنان افسون کرد که پذیرفت اوریدیس را به دنیای زندگان بازگرداند -

۵. رولان بارت (به فرانسوی: Roland Barthes) (زاده‌ی ۱۲ نوامبر ۱۹۱۵ - درگذشته‌ی ۲۵ مارس ۱۹۸۰) نویسنده، فیلسوف، نظریه‌پرداز ادبی، منتقد فرهنگی و نشانه‌شناس معروف فرانسوی بود. از جمله مؤلفه‌های مهم آثارش ساختارگرایی و «پساساختارگرایی» و هم چنین تحلیل «نشانه‌شناسانه»ی متن‌های ادبی و پدیده‌های فرهنگی‌اند.

مربوط می‌شود که با این فرم چه برخوردی داشته باشد. البته در قرن بیست نگاه متفکران و شاعران و نویسندگان به اسطوره نیز متفاوت بوده است. از نگرش آلبر کامو^۱ به کالیگولا^۲ و افسانه‌ی سیزیف^۳ بگیریم، تا برخورد ژان پل سارتر^۴ با اسطوره‌ی الکترا^۵ و برادر و مادرش و چند اسطوره‌ی دیگر، از طرز نگاه ژان آنوی^۶ به آنتیگونه (سوفوکل)^۷ بگیریم، تا تفسیر موریس بلانشو از اوریپه^۸... همه‌شان دال بر این هستند که اسطوره به عنوان فرم همیشه زنده است و هر عصری دلالت خود را بر آن سوار می‌کند.

۵. و اما مور آسز مورد خود هکات^۹ است. در اساطیر باستان نیز هکات

۱. آلبر کامو (Albert Camus)؛ (زاده‌ی ۷ نوامبر ۱۹۱۳ - درگذشته‌ی ۴ ژانویه ۱۹۶۰). نویسنده، فیلسوف و روزنامه‌نگار فرانسوی به‌ویژه یکی از نویسندگان بزرگ قرن بیستم و خالق کتاب مشهور بیگانه و مقاله‌ی جریبان‌ساز «افسانه‌ی سیزیف» است.

۲. کالیگولا (به فرانسوی: Caligula) نمایش‌نامه‌ای است که آلبر کامو، نوشتن آن را در سال ۱۹۳۹ آغاز کرد و نسخه‌ی نخست آن را در ماه مه ۱۹۴۰ انتشارات «ایمر» به چاپ رساند. او بعدها در این نمایش‌نامه، ژمان بیگانه و نیز افسانه‌ی سیزیف تغییر و بازسازی بسیاری انجام داد که خود آن‌را «دور باطل» نامیده است. بعضی از منتقدان، این کتاب را متعلق به مکتب اگزیستانسیالیسم می‌دانند، در حالی که کامو، همیشه تعلق خود به این مکتب را نفی می‌کرد.

۳. افسانه‌ی سیزیف؛ مقاله‌ی فلسفی از آلبر کامو که به‌طور نخست‌و‌اولین در مجله «ابزورد» را به کار می‌برد. این کلمه، بعدها الهام بخش گونه‌ای از تئاتر به نام «تئاتر پوچی» شد. سیزیف در اساطیر یونان به سبب فاش کردن راز خدایگان محکوم شد تا تخته سنگی را به دوش گرفته و تا فله‌ی بالای کوه میل کند، اما همین که به قله می‌رسد سنگ به پایین می‌غلند و سیزیف باید دوباره این کار را تکرار کند. کامو در گویند پیروزی وی در آگاهی است.

۴. ژان-پل شارل ایمار سارتر (به فرانسوی: Paul Charles Aymard Sartre)؛ (زاده‌ی ۲۱ ژوئن ۱۹۰۵ - درگذشته‌ی ۱۵ آوریل ۱۹۸۰). فیلسوف، اگزیستانسیالیست، ژمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و منتقد فرانسوی است که در کارهایش مفاهیم متناقضی را در کنار هم قرار داده است.

۵. الکترا؛ دختر آگاممنون شخصیت افسانه‌ای یونان باستان است و عقده‌ی الکترا در روان‌شناسی بر مبنای سرگذشت او، نام‌گذاری شده است.

۶. ژان آنوی (Jean Anouilh)؛ (زاده‌ی ۲۳ ژوئن ۱۹۱۰ - درگذشته‌ی ۱۷ اکتبر ۱۹۸۷ در لوزان) دراماتورژ و فیلم‌نامه‌نویس قرن بیستم میلادی اهل فرانسه.

۷. آنتیگونه؛ نام نمایشنامه‌ای است از تراژدی‌نویس مشهور یونانی، سوفوکل که در حدود ۴۴۲ پیش از میلاد نوشته شده و با وجود این که آخرین نمایشنامه از سه‌گانه‌ی تب است؛ اما پیش از دو نمایش‌نامه‌ی دیگر ادیپ شهریار و ادیپ در کولونوس به نگارش درآمده است.

۸. هکات؛ (اسطوره‌ی یونان) هکات یعنی الهه‌ی ماه و زمین و دوزخ و جادوگری.

تک بُعدی یا تک شخصیتی نیست گاهی هم چون در این رمان از کودکان نگه‌داری می‌کند، نوازش‌شان می‌کند و گاهی با سگ‌های شکاری‌اش هم چون آرتمیس^۱ (که گاهی با او هم‌سان می‌داندش) شکار می‌کند (هم‌چون در این رمان که مرد را تقریباً ویران می‌کند که به قول خود راوی درمانش چند سال طول می‌کشد) گاهی از طرف زئوس^۲ قدرتی شاهانه بر زمین و آسمان دریا دریافت می‌کند و به الهه‌ی حامی خطیبان مردمی در مجامع، حامی شکرچی‌ها و دریانوردان تبدیل می‌شود، ولی یک چیز عجیب این‌که، همیشه هکات شصت و نه مرتبه، هم‌چون در این رمان، این‌که دقیقاً پدر و مادرش چه کسی بوده‌اند، محل منازعه است. انگار بنا به مناسبات تغییر می‌کرده، گاهی او را اب‌صورت سه زن که به یک ستون تکیه داده نمایش می‌داده‌اند و گاهی به صورت سمادین با بدن یک زن دارای سه سر (یکی شیر، یکی سگ و یکی هم اسب) هم‌مندان زیادی از اسطوره‌ی هکات الهام گرفته‌اند. از معروف‌ها می‌توان به مث‌پی‌ر ژور، رمان‌نویس فرانسوی، اشاره کرد که رمانی به همین نام نوشته و نیز می‌توان ویلیام بلیک را نام برد که گاه در شعر و گاهی در نقاشی‌اش از آن بهره رده است. در موسیقی می‌توان به آهنگساز فرانسوی خانم میشل رودی اشاره کرد که در سال ۲۰۰۸ اثری برای کنترباس با نام هکات ساخته است. انگار اسطوره‌ی هکات هم‌چنان در ناخودآگاه جمعی اروپایی‌ها حی و حاضر است. آیا می‌توان از اسطوره‌های یک ملت را به ملل دیگر تعمیم داد؟ گاهی می‌توان شباهت‌ها را بیان کرد، ولی می‌توان با اساطیر ملل دیگر مقایسه کرد که در این حالت، مقایسه و شباهت‌های دو فرهنگ عیان می‌شوند...

۱. آرتمیس؛ در اساطیر یونانی، ایزد بانوی شکار، حیات وحش، بکارت، ماه و حاصلخیزی است.
 ۲. زئوس؛ در اساطیر یونانی، پادشاه خدایان و فرمانروای تمام زیارتگاه‌های واقع در کوه المپ است.